





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان‌شناسی

گروه زبان‌شناسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی

**سبک‌شناسی تطبیقی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف (احمدبن محمدبن زید
طوسی) با داستان‌های کشف‌الاسرار (ابوالفضل میبدی): پژوهشی در
چارچوب فرانشی متنی**

استاد راهنما:

دکتر حسین صافی

استاد مشاور:

دکتر طاهره ایشانی

پژوهشگر:

حسین رضائی لاکسار

شهریور ماه ۱۳۹۴



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۶/۳۰

پایان نامه تحصیلی آقای حسین رضائی لاکسار دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد

رشته زبان شناسی همگانی

تحت عنوان:

سبک شناسی تطبیقی حکایت های تفسیر سوره یوسف (احمدبن محمد طوسی) با

داستان های کشف الاسرار (ابوالفضل میبیدی): پژوهشی در چارچوب فرانش متنی

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر حسین صافی پیرلوجه با مرتبه علمی استادیار

امضا

۲. استاد مشاور پایان نامه، خانم دکتر طاهره ایشانی با مرتبه علمی استادیار

امضا

۳. استاد داور پایان نامه، خانم دکتر فاطمه راکعی با مرتبه علمی استادیار

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

سپاس‌گزاری

نخست سپاس‌گزار خدایی هستم که حضورش را همیشه احساس کرده‌ام، و مهربانی و عظمتِ توأمانش همواره موجب شگفتی‌ام بوده است.

از خانواده‌ی عزیز و بی‌همتایم که از آغاز زندگی‌ام مرا از دریای بی‌کران محبت خود سیراب کرده‌اند سپاس‌گزارم، و بیش از همه قدردان همسر صبورم هستم، که اگر مهربانی‌ها و همراهی‌ها و همکاری‌هایش نبود، قطعاً این کار به سرانجام نمی‌رسید.

خالصانه و فروتنانه سپاس‌گزار استاد راهنمای بزرگوار و مثال‌زدنی‌ام، جناب آقای دکتر حسین صافی هستم که در طول دوران تحصیل و به‌ویژه در طول انجام این پژوهش بسیار از او آموختم؛ از علمش، که سخاوتمندانه در اختیارم قرار داد، و از عملش، که مصداق بارزی از دقت و تعهدی است که این روزها کم‌یاب است.

از استاد مشاور گران‌قدر، سرکار خانم دکتر طاهره ایشانی نیز که بنده را از نظرات ارزشمند خود بهره‌مند کردند سپاس‌گزارم.

از سرکار خانم دکتر فاطمه راکعی نیز سپاس‌گزارم که علی‌رغم تنگی وقت داوری این پایان‌نامه را پذیرفتند.

و در پایان، سپاس‌گزار همه‌ی اساتید بزرگوار پژوهش‌کننده‌ی زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی هستم، که دانش گران‌سنگ‌شان را سخاوتمندانه در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند. و نیز قدردان استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم هستم که نخستین بار از زبان ایشان با زبان‌شناسی نقش‌گرا آشنا شدم.

تقدیم به:

روح بلندِ مادرم

و دستانِ پینه‌بسته‌ی پدرم

و چشمانِ نگرانِ همسرم...

و تقدیم به:

پسرم، علی، که شیرینیِ زندگی است.

چکیده

استفاده از الگوهای زبان‌شناختی در بررسی سبک متون مختلف، اعم از ادبی و غیرادبی، می‌تواند سبک‌شناسی فارسی را از ورطه‌ی تکرار روش‌های سنتی بیرون آورد و آن را وارد مسیری نو کند. مسیری که منجر به پویایی بیش‌تر و کاربردی‌تر شدن این دانش می‌شود. به این منظور، در پژوهش حاضر تلاش کرده‌ایم تا با به‌کارگیری چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلییدی، مشخصاً فرانش متنی، به سبک‌شناسی تطبیقی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف (طوسی) با داستان‌های کشف‌الاسرار (میبدی) بپردازیم، تا از راه بررسی ویژگی‌های سبکی تفسیر سوره‌ی یوسف از این منظر، و مقایسه‌ی آن با ویژگی‌های سبکی کشف‌الاسرار (به عنوان اثری متعلق به قرن ششم هجری که نثر آن مرسل است)، هم نسبت نثر آن را با نثر مرسل بسنجیم، و هم گامی در جهت تعیین تاریخ نگارش آن برداریم. برای رسیدن به این هدف ابتدا به تجزیه و تحلیل ۵۰ حکایت از هر کتاب، و بررسی و مقایسه‌ی ساخت موضوعی، ساخت اطلاع و ابزارهای انسجامی آن‌ها پرداختیم، و سپس اعتبار نتایج حاصل از این قیاس را با استفاده از آزمون آماری کای‌دو سنجیدیم. بر این اساس، به این نتیجه رسیدیم که اگرچه در بعضی از مشخصه‌های بررسی‌شده دو پیکره مانند هم هستند، با این حال، در مشخصه‌هایی مانند کاربرد انواع بند مرکب، نشان‌داری در آغازگر، انواع آغازگرهای نشان‌دار و بسامد ابزارهای انسجامی اختلاف معنی‌داری با هم دارند، و این اختلاف به گونه‌ای است که بیان‌گر فاصله گرفتن نثر تفسیر سوره‌ی یوسف از نثر مرسل، و گرایش آن به نثر فنی و مسجع است. از طرف دیگر، نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان داد که تفسیر سوره‌ی یوسف باید بعد از کشف‌الاسرار - احتمالاً اواخر قرن ششم هجری - نوشته شده باشد، نه قبل یا هم‌زمان با آن.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی، دستور نقش‌گرای نظام‌مند، فرانش متنی، ساخت موضوعی، ابزارهای

انسجامی، تفسیر سوره‌ی یوسف، کشف‌الاسرار.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱. مقدمه ۲
- ۲-۱. مسأله‌ی پژوهش ۳
- ۳-۱. قلمرو پژوهش ۳
- ۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش ۴
- ۵-۱. اهداف پژوهش ۴
- ۶-۱. کاربردهای پژوهش ۴
- ۷-۱. نوع پژوهش ۴
- ۸-۱. پرسش‌های پژوهش ۵
- ۹-۱. فرضیه‌های پژوهش ۵
- ۱۰-۱. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش ۵
- ۱۱-۱. روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش ۶
- ۱۲-۱. فنون و ابزار گردآوری اطلاعات ۶
- ۱۳-۱. فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات ۶
- ۱۴-۱. سازمان‌بندی پژوهش ۷
- ۱۵-۱. خلاصه ۷

فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش

- ۱-۲. مقدمه ۹
- ۲-۲. پژوهش‌های مربوط به تفسیر سوره‌ی یوسف ۹
- شفیعی کدکنی: ۱۳۷۷ ۹
- غلامی: ۱۳۸۸ ۱۰
- خجیر انگاس: ۱۳۹۰ ۱۱
- جانی: ۱۳۹۱ ۱۱
- زند مقدم: ۱۳۹۳ ۱۲
- ۳-۲. پژوهش‌های مربوط به کشف/الاسرار ۱۲
- رجایی: ۱۳۷۶ ۱۲
- بارانی: ۱۳۷۸ ۱۳
- اکبریور محمودآبادی: ۱۳۸۳ ۱۳
- وزیله: ۱۳۸۶ ۱۳
- جبری: ۱۳۸۸ ۱۴
- عاطفی آقایان: ۱۳۸۸ ۱۴
- تاج‌میر ریاحی: ۱۳۸۹ ۱۵

۱۵.....	تمجیدی: ۱۳۸۹.....
۱۵.....	آبکار اصفهان: ۱۳۹۲.....
۱۶.....	۴-۲. پژوهش‌های تطبیقی.....
۱۶.....	باقری دبانلو: ۱۳۹۱.....
۱۶.....	خاکیور: ۱۳۹۱.....
۱۷.....	۵-۲. خلاصه.....

فصل سوم: مفاهیم بنیادین و چارچوب نظری

۱۹.....	بخش اول: سبک‌شناسی.....
۲۰.....	۳-۱-۱. مقدمه.....
۲۰.....	۳-۱-۲. تعریف سبک و سبک‌شناسی.....
۲۲.....	۳-۱-۳. نگاهی به سیر سبک‌شناسی نثر در ایران.....
۲۸.....	۳-۱-۴. تعریف انواع نثر.....
۲۸.....	۳-۱-۴-۱. نثر مرسل.....
۲۸.....	۳-۱-۴-۲. نثر فنی.....
۲۹.....	۳-۱-۴-۳. نثر مسجع.....
۳۰.....	بخش دوم: چارچوب نظری پژوهش.....
۳۱.....	۳-۲-۱. مقدمه.....
۳۲.....	۳-۲-۲. دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی.....
۳۳.....	۳-۲-۲-۱. متن.....
۳۳.....	۳-۲-۲-۲. سازواری واحدهای زبان.....
۳۴.....	۳-۲-۲-۳. ساختار و نظام.....
۳۵.....	۳-۲-۲-۴. لایه‌های زبانی.....
۳۶.....	۳-۲-۲-۵. زبان؛ نظام یا متن.....
۳۶.....	۳-۲-۲-۶. سیاق و ژانر.....
۴۰.....	۳-۲-۲-۷. فرانش اندیشگانی.....
۴۳.....	۳-۲-۲-۸. فرانش بینافردی.....
۴۵.....	۳-۲-۳. فرانش متنی.....
۴۶.....	۳-۲-۱. ساخت موضوعی.....
۴۸.....	۳-۲-۱-۱. آغازگر در بندهای مختلف.....
۵۵.....	۳-۲-۱-۲. روش تکوین متن.....
۵۶.....	۳-۲-۲. ساخت اطلاع.....
۵۸.....	۳-۲-۳. انسجام.....
۶۲.....	۳-۳. خلاصه.....

فصل چهارم: تحلیل داده‌ها

۶۵	۱-۴. مقدمه
۶۵	۲-۴. معرفی اجمالی دو اثر
۶۵	۱-۲-۴. تفسیر سوره‌ی یوسف
۶۶	۲-۲-۴. کشف/الاسرار
۶۷	۳-۴. تحلیل داده‌ها
۶۷	۱-۳-۴. ساخت موضوعی
۶۷	۱-۱-۳-۴. تفسیر سوره‌ی یوسف
۶۷	۱-۱-۱-۳-۴. بند ساده و مرکب
۶۸	۲-۱-۱-۳-۴. آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار
۶۹	۳-۱-۱-۳-۴. آغازگرهای ساده و مرکب
۷۲	۲-۱-۳-۴. کشف/الاسرار
۷۲	۱-۲-۱-۳-۴. بند ساده و مرکب
۷۳	۲-۲-۱-۳-۴. آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار
۷۴	۳-۲-۱-۳-۴. آغازگرهای ساده و مرکب
۷۵	۳-۱-۳-۴. مقایسه‌ی ساخت موضوعی در دو پیکره
۷۵	۱-۳-۱-۳-۴. بند ساده و مرکب
۷۸	۲-۳-۱-۳-۴. آغازگرهای نشان‌دار و بی‌نشان
۸۳	۳-۳-۱-۳-۴. آغازگرهای ساده و مرکب
۸۷	۲-۳-۴. ساخت اطلاع
۸۷	۳-۳-۴. انسجام
۸۷	۱-۳-۳-۴. تفسیر سوره‌ی یوسف
۸۹	۲-۳-۳-۴. کشف/الاسرار
۹۰	۳-۳-۳-۴. مقایسه‌ی کاربرد ابزارهای انسجامی در دو پیکره
۹۴	۴-۳-۴. جمع‌بندی
۹۷	۴-۴. خلاصه

فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۹۹	۱-۵. مقدمه
۹۹	۲-۵. بررسی پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش
۹۹	۱-۲-۵. پرسش و فرضیه‌ی اوّل
۱۰۰	۲-۲-۵. پرسش و فرضیه‌ی دوّم
۱۰۱	۳-۲-۵. پرسش و فرضیه‌ی سوّم
۱۰۲	۳-۵. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

کتاب‌نامه

۱۰۵.....کتاب‌نامه‌ی فارسی

۱۰۸.....کتاب‌نامه‌ی انگلیسی

پیوست‌ها

۱۱۰.....پیوست الف) نمونه‌ای از حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف

۱۱۴.....پیوست ب) نمونه‌ای از داستان‌های کشف‌الاسرار

واژه‌نامه‌ها

۱۱۹.....واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی

۱۲۹.....واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی

۱۴۰.....چکیده‌ی انگلیسی

فهرست جدول‌ها

- جدول ۴-۱. بسامد و درصد استفاده از بندهای ساده و مرکب در تفسیر سوره‌ی یوسف..... ۶۷
- جدول ۴-۲. بسامد و درصد استفاده از انواع بندهای مرکب ناهم‌پایه در تفسیر سوره‌ی یوسف..... ۶۷
- جدول ۴-۳. بسامد و درصد استفاده از آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار در تفسیر سوره‌ی یوسف..... ۶۸
- جدول ۴-۴. بسامد و درصد انواع آغازگر نشان‌دار در تفسیر سوره‌ی یوسف به تفکیک..... ۶۸
- جدول ۴-۵. بسامد و درصد آغازگرهای ساده و مرکب در تفسیر سوره‌ی یوسف..... ۷۰
- جدول ۴-۶. بسامد و درصد انواع آغازگر مرکب در تفسیر سوره‌ی یوسف به تفکیک..... ۷۰
- جدول ۴-۷. بسامد و درصد استفاده از بندهای ساده و مرکب در کشف/الاسرار..... ۷۲
- جدول ۴-۸. بسامد و درصد استفاده از انواع بندهای مرکب ناهم‌پایه در کشف/الاسرار..... ۷۲
- جدول ۴-۹. بسامد و درصد استفاده از آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار در کشف/الاسرار..... ۷۳
- جدول ۴-۱۰. بسامد و درصد استفاده از انواع آغازگر نشان‌دار در کشف/الاسرار به تفکیک..... ۷۳
- جدول ۴-۱۱. بسامد و درصد استفاده از آغازگرهای ساده و مرکب در کشف/الاسرار..... ۷۴
- جدول ۴-۱۲. بسامد و درصد استفاده از انواع آغازگر مرکب در کشف/الاسرار به تفکیک..... ۷۴
- جدول ۴-۱۳. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی بسامد بندهای ساده و مرکب در دو پیکره..... ۷۷
- جدول ۴-۱۴. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی کاربرد انواع بند مرکب در دو پیکره..... ۷۸
- جدول ۴-۱۵. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی نشان‌داری در آغازگرهای در دو پیکره..... ۸۱
- جدول ۴-۱۶. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی بسامد کاربرد انواع آغازگر نشان‌دار در دو پیکره..... ۸۲
- جدول ۴-۱۷. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی بسامد کاربرد آغازگرهای ساده و مرکب در دو پیکره..... ۸۵
- جدول ۴-۱۸. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی بسامد کاربرد انواع آغازگر مرکب در دو پیکره..... ۸۶
- جدول ۴-۱۹. بسامد و درصد کاربرد انواع ابزارهای انسجامی (به جز انسجام واژگانی) در تفسیر سوره‌ی یوسف..... ۸۸
- جدول ۴-۲۰. بسامد و درصد کاربرد انواع ابزارهای انسجامی (به جز انسجام واژگانی) در کشف/الاسرار..... ۸۹
- جدول ۴-۲۱. بسامد مجموع ابزارهای انسجامی به‌کاررفته در دو پیکره..... ۹۰
- جدول ۴-۲۲. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی بسامد مجموع ابزارهای انسجامی به‌کاررفته در دو پیکره (به جز انسجام واژگانی)..... ۹۲
- جدول ۴-۲۳. آزمون کای‌دو برای مقایسه‌ی توزیع انواع ابزارهای انسجامی در دو پیکره (به جز انسجام واژگانی)..... ۹۳

فهرست نمودارها و انگاره‌ها

- نمودار ۱-۳. فرایندهای اصلی و فرعی.....۴۲
- نمودار ۱-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد بند ساده و مرکب در دو پیکره.....۷۶
- نمودار ۲-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد انواع بند مرکب در دو پیکره.....۷۷
- نمودار ۳-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد آغازگرهای بی‌نشان و نشان‌دار در دو پیکره.....۸۰
- نمودار ۴-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد انواع آغازگر نشان‌دار در دو پیکره.....۸۱
- نمودار ۵-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد آغازگرهای ساده و مرکب در دو پیکره.....۸۴
- نمودار ۶-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد انواع آغازگر مرکب در دو پیکره.....۸۴
- نمودار ۷-۴. مقایسه‌ی بسامد کاربرد بند مرکب ناهم‌پایه، آغازگر نشان‌دار و آغازگر مرکب در دو پیکره.....۸۶
- نمودار ۸-۴. مقایسه‌ی توزیع ابزارهای انسجامی مختلف (به جز انسجام واژگانی) در دو پیکره.....۹۲
- انگاره‌ی ۱-۳. دستور نقش‌گرای نظام‌مند در یک نگاه.....۳۹

فصل اوّل:

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

سبک‌شناسی^۱ را می‌توان «تحلیل بیانِ زبانیِ متمایز و توصیف هدف از به‌کارگیری و تأثیر آن» دانست (وردانک^۲، ۱۳۸۹: ۱۸). با این حال، چگونگی انجام این تحلیل و توصیف، روش‌های مختلفی دارد که هر کدام نیازمند ابزارهای خاص خود است. در ایران، نخستین بار محمدتقی بهار با انتشار کتاب سبک‌شناسی؛ یا تاریخ تطّور نثر فارسی (۱۳۳۱) به صورت منسجم و سازمان‌یافته به معرفی سبک‌شناسی پرداخت. وی (۱۳۸۶) در این کتاب نثر فارسی را به دوره‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرده، و ویژگی‌های سبکی هر دوره را، با معرفی آثار شاخص آن، در سطح واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی نموده است. غالب پژوهش‌های بعدی در این زمینه نیز به روش بهار انجام شده‌اند.^۳ آنچه مسلم است این است که تا کنون پژوهش‌های انگشت‌شماری با تکیه بر رویکردهای گوناگون زبان‌شناختی به منظور سبک‌شناسی متون فارسی به انجام رسیده است، که از آن میان می‌توان به پژوهش مریم دُرپر (۱۳۹۲) با عنوان سبک‌شناسی انتقادی اشاره کرد، که نویسنده در آن به سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد «تحلیل انتقادی گفتمان»^۴ پرداخته است. بنابراین، پربی‌راه نیست اگر بگوییم استفاده از ظرفیت‌های عظیم زبان‌شناسی، برای بررسی و شناخت «سبک»^۵ آثار نظم و نثر فارسی، از دیدگاهی علمی و منطقی نو، تقریباً مغفول مانده است؛ و این امر محقق نمی‌شود مگر با محک‌زدن و سنجش توانایی رویکردهای گوناگون سبک‌شناسی در بررسی سبک‌های متون فارسی، به‌ویژه در آثاری که کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به این منظور، در پژوهش حاضر بر آنیم تا با سبک‌شناسی تطبیقی

^۱ . Stylistics

^۲ . P. Verdonk

^۳ . برای بررسی تفصیلی سیر سبک‌شناسی نثر در ایران، نک. بخش ۳-۱-۳.

^۴ . Critical Discourse Analysis (CDA)

^۵ . Style

دو مجموعه از متون روایی فارسی در چارچوب یک الگوی زبان‌شناختی، یعنی زبان‌شناسی نقش‌گرا، ضمن نشان دادن کارآیی این الگو در مطالعات سبک‌شناسی، تلاشی در جهت تعیین زمان نگارش اثری بی‌تاریخ انجام دهیم.

۱-۲. مسأله‌ی پژوهش

تفسیر سوره‌ی یوسف یا قصه‌ی یوسف، اثر احمدبن محمدبن زید طوسی (۱۳۶۷)، تفسیری عرفانی از سوره‌ی یوسف است که در شصت فصل تنظیم شده است. در هر فصل نگارنده علاوه بر بیان معانی هر آیه و شأن نزول و متشابهات آن، و نیز بیان قصه‌ی یوسف، نکته و لطیفه و حکایتی نیز می‌آورد. زبان نگارش کتاب، به زعم مصحح آن، ساده، روان و شیوا، و دارای ویژگی‌های قابل توجهی است (همان، مقدمه‌ی مصحح: ۱۳). با این همه، زمان نگارش اثر مشخص نیست، اما آن‌گونه که مصحح آن در مقدمه آورده است، به نظر می‌رسد مربوط به قرن ششم هجری باشد (همان، مقدمه‌ی مصحح: ۱۲). وی یکی از شواهد این مدعا را شباهت بسیار «نوع پرداخت و روش تنظیم» کتاب با کشف‌الاسرار و عده‌الابرار میبیدی (۵۲۰ ه.ق) می‌داند که در اوایل قرن ششم هجری نگاشته شده است (همان، مقدمه‌ی مصحح: ۱۳).

با توجه به این موضوع، در پژوهش حاضر به مطابقه‌ی سبک‌شناختی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف با داستان‌های کشف‌الاسرار خواهیم پرداخت. به این منظور، و برای شناخت ویژگی‌های زبانی و سبکی این اثر، تصمیم گرفته شد تا در چارچوب «دستور نقش‌گرای نظام‌مند»^۲ هلیدی و متیسن^۳ (۲۰۰۴)، و از منظر «فرانقش متنی»^۴، به بررسی و مطابقه‌ی حکایت‌های آن، به عنوان بخشی از کل متن، با تقریباً همان حجم از داستان‌های کشف‌الاسرار بپردازیم.

۱-۳. قلمرو پژوهش

از آن‌جا که پژوهش حاضر از جنس مطالعات میدانی نیست، تعیین قلمرو مکانی آن موضوعیت ندارد. اما از نظر زمانی به حول و حوش قرن ششم ه.ق. بازمی‌گردد و از نظر موضوعی ویژگی‌های

^۱ . Functional Linguistics

^۲ . Functional Systemic Grammar

^۳ . Halliday and Matthiessen

^۴ . Textual Metafunction

سبکی دو مجموعه از حکایت‌های فارسی را در قیاس با یکدیگر و در ارتباط با دوره‌ای خاص بررسی می‌کند.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر را از دو جنبه می‌توان ضروری دانست. اول این‌که، ویژگی‌های سبکی تفسیر سوره‌ی یوسف، به عنوان اثری مهم، تا کنون بررسی نشده است، تا ویژگی‌های برجسته‌ی زبانی آن نشان داده شود؛ دیگر این‌که، مطابقه‌ی سبک‌شناختی حکایت‌های این اثر با داستان‌های کشف‌الاسرار میبیدی، که گویا از نظر روش تنظیم مطالب با تفسیر سوره‌ی یوسف همانندی بسیار دارد، در چارچوب یک انگاره‌ی زبان‌شناختی منتظم، می‌تواند گامی باشد در جهت تخمین زمان نگارش اثر از راه شناخت علمی مشخصه‌های سبکی آن.

۱-۵. اهداف پژوهش

هدف پژوهش حاضر در گام نخست بررسی سبک‌شناختی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف در چارچوب فرانش متن است، تا بدینوسیله برجستگی‌های زبانی آن را بازشناسد، و آن‌گاه، با مطابقه‌ی آن با سبک داستان‌های کشف‌الاسرار میبیدی، ادعای هم‌عصر بودن این دو اثر را بسنجد.

۱-۶. کاربردهای پژوهش

پژوهش حاضر می‌تواند در مطالعات و تحقیقات مربوط به سبک‌شناسی متون فارسی، به‌ویژه نثر فارسی، و تاریخ ادبیات مورد استفاده قرار بگیرد. همچنین، روش‌شناسی و چارچوب نظری این پژوهش می‌تواند در پژوهش‌های آتی در این زمینه، به عنوان پیشینه‌ای برای تعیین سبک‌سایر آثار نظم و نثر فارسی، به کار گرفته شود.

۱-۷. نوع پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. تحلیل آماری داده‌ها در این پژوهش در وهله‌ی نخست به روش دستی و سپس به کمک برنامه‌های الکترونیکی صورت می‌گیرد. برای تفسیر نتایج

حاصل از آمارها نیز به چارچوب نظری مطرح در زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، یعنی به الگوی فرانقش متنی، مراجعه خواهد شد.

۸-۱. پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر در پی آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. تفسیر سوره‌ی یوسف، با توجه به فرانقش متنی حکایت‌های آن، دارای چه نوع نثری است؟
۲. با توجه به فرانقش متنی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف و داستان‌های کشف‌الاسرار، چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان نثر این دو متن وجود دارد؟
۳. با توجه به ویژگی‌های سبکی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف از منظر فرانقش متنی، این کتاب متعلق به چه دوره‌ای از نثر فارسی است؟

۹-۱. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر به قرار زیر است:

۱. تفسیر سوره‌ی یوسف دارای نثر مرسل است، اما نشانه‌هایی از نثر فنی و مسجع نیز در آن دیده می‌شود.
۲. وجه اشتراک تفسیر سوره‌ی یوسف با کشف‌الاسرار نثری است مرسل که در تفسیر سوره‌ی یوسف به نثر فنی و مسجع می‌گراید.
۳. به نظر می‌رسد، تفسیر سوره‌ی یوسف متعلق به قرن ششم هجری است.

۱۰-۱. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش

پژوهش حاضر در پی آن است تا برای نخستین بار، حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف (۱۳۶۷) را در چارچوب یک نظریه‌ی زبان‌شناختی معتبر، یعنی زبان‌شناسی نقش‌گرا، سبک‌شناسی کند. این پژوهش، به بیان دیگر، به قصد تعریف ویژگی‌های زبانی تفسیر سوره‌ی یوسف از منظر فرانقش متنی

صورت می‌گیرد. همچنین، با توجه به نامشخص بودن زمان نگارش تفسیر سوره‌ی یوسف، و با عنایت به اینکه به ادعای مصحح کتاب، شباهت بسیاری از نظر «نوع پرداخت و روش تنظیم» آن با کشف‌الاسرار میبیدی (۵۲۰ ه.ق) وجود دارد (طوسی، ۱۳۶۷، مقدمه‌ی مصحح: ۱۳)، این پژوهش قصد دارد با بررسی فرانش متنی در داستان‌های کشف‌الاسرار میبیدی، و مقایسه‌ی آن با حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف، درستی این مدعا را از چشم‌اندازی فراخ‌تر، و در عین حال با نگاهی دقیق‌تر، بیازماید.

۱۱-۱. روش انجام پژوهش و دلیل انتخاب این روش

روش انجام پژوهش حاضر، به فراخور هدف آن - یعنی به‌منظور راستی‌آزمایی فرضیه‌ای خام درباره‌ی زمان نگارش تفسیر سوره‌ی یوسف - توصیفی و تحلیلی است؛ به این معنا که در بدو پژوهش، مؤلفه‌های فرانش متنی در حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف از یک سو، و داستان‌های کشف‌الاسرار از سوی دیگر، با یکدیگر مقایسه خواهد شد. آن‌گاه با تخمین مشابهت‌های زبانی این دو متن (برآورد میزان همبستگی سبکی میان آنها)، فرضیه‌ی هم‌عصر بودن این دو اثر به آزمون گرفته خواهد شد تا معلوم شود که فرانش متنی را چگونه می‌توان دستمایه‌ی سبک‌شناسی دوره‌ای کرد. از همین مختصر پیداست که روش پژوهش، بنابر موضوع و داده‌های مورد تحلیل آن انتخاب شده است.

۱۲-۱. فنون و ابزار گردآوری اطلاعات

داده‌های پژوهش از راه پیکره‌سازی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف و داستان‌های کشف‌الاسرار گرد خواهد آمد و این پیکره به صورت دستی گردآوری و تحلیل خواهد شد. برای اعتبارسنجی نتایج حاصل از تحلیل پیکره نیز از آزمون آماری کای‌دو^۱ استفاده خواهد شد.

۱۳-۱. فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تدوین داده‌های پژوهش با تکیه بر چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴)، و مشخصاً از منظر فرانش متنی انجام خواهد گرفت؛ به این ترتیب که دو پیکره‌ی حاصل، در گام نخست، از نظر ساخت موضوعی^۲، ساخت اطلاع^۳ و نیز ابزارهای انسجامی^۱ بررسی و مقایسه

^۱ . Chi-Square

^۲ . Thematic Structure

^۳ . Information Structure

خواهند شد. از آنجا که این متغیرهای وابسته از نوع مقوله‌ای‌اند، در دوّمین گام پژوهش می‌توان برای سنجش همبستگی‌شان با متغیر مستقل – که نگارش به سبک قرن ششم ه.ق. باشد – از آزمون آماری کای دو بهره گرفت.

۱-۱۴. سازمان‌بندی پژوهش

پژوهش حاضر شامل پنج فصل است. فصل اوّل به کلیات پژوهش اختصاص دارد؛ در فصل دوّم، به پیشینه‌ی مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی بررسی ویژگی‌های سبکی تفسیر سوره‌ی یوسف، و همچنین مطابقی آن با کشف‌الاسرار میبیدی، اشاره خواهد شد. فصل سوّم به معرفی مفاهیم بنیادین و چارچوب نظری پژوهش حاضر اختصاص خواهد داشت؛ در این فصل ضمن اشاره به پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی سبک‌شناسی نثر فارسی، به معرفی دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۰۴)، و به‌ویژه فرانش متنی، خواهیم پرداخت. فرانش متنی چارچوب نظری لازم برای گردآوری داده‌های پژوهش را فراهم خواهد آورد. در فصل چهارم، با توجه به چارچوب نظری پژوهش، به تحلیل‌های سبک‌شناختی درباره‌ی حکایت‌های تفسیر سوره‌ی یوسف و داستان‌های کشف‌الاسرار، و سپس مقایسه‌ی نتایج این تحلیل خواهیم پرداخت تا سرانجام در فصل پنجم، پاسخ سؤالات پژوهش، نتایج به دست آمده از آن، و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی را ارائه کنیم.

۱-۱۵. خلاصه

در این فصل ابتدا به بیان مسأله‌ی پژوهش پرداختیم و به ضرورت و اهمّیت آن اشاره کردیم. اهداف پژوهش حاضر را نیز بیان کردیم که همانا بررسی ویژگی‌های سبکی یک اثر فارسی در چارچوب الگویی زبان‌شناختی، و مقایسه‌ی آن با سبک اثری دیگر به منظور پی‌بردن به تاریخ نگارش آن است. به کاربردهای این پژوهش نیز اشاره شد. همچنین سؤالاتی که پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ آن‌هاست، و فرضیه‌های مرتبط با آن‌ها مطرح شد. در ادامه، جنبه‌ی نوآوری پژوهش و روش انجام آن تشریح شد. و در نهایت نیز سازمان‌بندی پژوهش معرفی شد.

¹ . Cohesive Devices

فصل دوّم:

پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱. مقدمه

تا جایی که جست‌وجوهای نگارنده نشان می‌دهد، تا کنون پژوهشی از نگاه یک انگاره‌ی زبان‌شناختی و با هدف سبک‌شناسی تطبیقی، بر روی تفسیر سوره‌ی یوسف و کشف‌الاسرار انجام نشده است؛ بنابراین، می‌توان گفت پژوهشی با این مختصات بی‌سابقه است. با این حال، در نگاهی کلی‌تر می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که سعی در تحلیل زبانی این دو اثر، به طور جداگانه و یا به صورت تطبیقی، داشته‌اند. به این منظور، فصل حاضر در سه بخش سامان یافته است. بخش اول به پژوهش‌هایی می‌پردازد که تنها به تفسیر سوره‌ی یوسف پرداخته‌اند؛ بخش دوم پژوهش‌هایی را معرفی می‌کند که کشف‌الاسرار موضوع مطالعه‌ی آن‌ها بوده است؛ و سرانجام، بخش سوم به آن دسته از پژوهش‌هایی اشاره می‌کند که سعی در مطالعه‌ی تطبیقی این دو اثر داشته‌اند.

۲-۲. پژوهش‌های مربوط به تفسیر سوره‌ی یوسف

شفیعی کدکنی: ۱۳۷۷

محمد‌رضا شفیی کدکنی در مقاله‌ای زیر عنوان سفینه‌ای از شعرهای عرفانی قرن چهارم و پنجم، تفسیر سوره‌ی یوسف را «یکی از مهم‌ترین منابع (بلکه مهم‌ترین منبع) مطالعه در باب شکل‌گیری مراحل نخستین شعر عرفانی زبان فارسی» می‌داند (ص ۳۴۰)، که از آن غفلت شده است و دلیل این غفلت را روشن نبودن زمان تألیف کتاب می‌داند. سپس، وی برای مشخص کردن تاریخ نگارش کتاب به این نکته اشاره می‌کند که رافعی در کتاب *التدوین*، که در اواخر قرن ششم هجری نوشته شده،

مدّعی شده است که مؤلف تفسیر سوره‌ی یوسف در سال ۴۵۹ هجری در قزوین بوده، و از این نکته چنین نتیجه می‌گیرد که اگر طوسی ده سال بعد از این تاریخ کتاب خود را نوشته باشد، تاریخ نگارش آن مربوط می‌شود به نیمه‌ی دوّم قرن پنجم هجری (مشخصاً حدود ۴۶۹ تا ۴۷۰ هجری). شفیعی کدکنی یکی دیگر از دلایل ادّعی خود را نقل حکایت‌های صوفیان قرون اوّل تا چهارم، و عدم نقل حکایت‌های مربوط به صوفیان نیمه‌ی اوّل قرن پنجم در تفسیر سوره‌ی یوسف می‌داند. وی سپس با ذکر دلایل و شواهدی در پی اثبات کرامی مذهب بودن مؤلف تفسیر سوره‌ی یوسف برمی‌آید، و بار دیگر با ذکر دو نکته تألیف کتاب را به نیمه‌ی دوّم قرن پنجم نسبت می‌دهد: نخست آن‌که هیچ شعری از سنائی در این کتاب نقل نشده است؛ بنابراین، نگارش کتاب مربوط به دوره‌ای است که شعر سنائی هنوز شهرت خود را به دست نیاورده بوده است، یعنی حداکثر حدود ۵۰۰ هجری. و دوّم، نوع شعرهایی که در این کتاب ذکر شده است، و ساخت، صورت، زبان و نوع مضامین آن‌ها، که به زعم شفیعی کدکنی، متعلّق به حدود ۴۷۰-۴۵۰ هجری است. وی در ادامه‌ی مقاله به بررسی برخی شعرهای نقل شده در تفسیر سوره‌ی یوسف می‌پردازد. نکته‌ی جالب توجّه این‌جاست که ساسان زند مقدّم (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با استناد به همین اشعاری که شفیعی کدکنی آن‌ها را متعلّق به قرن پنجم می‌داند، ادّعا می‌کند که تفسیر سوره‌ی یوسف در قرن هفتم نگاشته شده است.

به هر حال، دلایل و شواهدی که در مقاله‌ی شفیعی کدکنی درباره‌ی تاریخ نگارش این کتاب آمده است چندان قابل استناد به نظر نمی‌آید و بیش‌تر شهودی است. زیرا اوّل، حتّی اگر صحّت ادّعی مؤلف کتاب *التدوین* را مبنی بر حضور احمدبن محمدبن زید طوسی در سال ۴۵۹ در قزوین بپذیریم، دلیلی وجود ندارد که، تنها با فرض و حدس، تاریخ تألیف تفسیر سوره‌ی یوسف را ده سال پس از آن بدانیم. ثانیاً، نقل کردن یا نکردن حکایت‌های صوفیان قرن‌های مختلف، و یا اشعار سنائی نیز دلیل موجهی نیست؛ شاید این موضوع به سلیقه، علاقه و یا عقاید مؤلف مربوط باشد. و در آخر، نوع و مضامین شعرهای نقل شده در کتاب نیز چیزی را اثبات نمی‌کند؛ زیرا، چنان‌که اشاره شد، دو محقق مختلف از بررسی همین اشعار به دو نتیجه‌ی متناقض دست یافته‌اند.

غلامی: ۱۳۸۸

حمیده غلامی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان تحقیق و بررسی یوسف و زلیخای جامی مقایسه با تفسیر عرفانی سوره‌ی یوسف (املائی/احمدبن محمدبن زید طوسی)، که به زعم وی پژوهشی عرفانی - داستانی است، جایگاه شخصیت‌های داستان یوسف و نیز خود یوسف را، از نظر